

پیش‌بینی خودگسستگی مذهبی دختران دانشجو بر اساس ابعاد مدل بافت‌نگر فرآیند و محتوای خانواده

سیامک سامانی^۱

چکیده

هدف از این پژوهش، پیش‌بینی خودگسستگی مذهبی دختران دانشجو بر اساس فرآیند و محتوای خانواده بود. گروه نمونه در این پژوهش شامل ۳۶۵ دانشجوی دختر دوره‌ی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت و دانشگاه شیراز بود. از مقیاس فرآیندهای خانوادگی، مقیاس محتوای خانواده و مقیاس خودگسستگی مذهبی برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که متغیر فرآیند خانوادگی به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی خودآیدیه‌آل مذهبی دختران دانشجو می‌باشد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که متغیر فرآیندهای خانوادگی به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی خودگسستگی از ایده‌آل‌های مذهبی و خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی دانشجویان دختر می‌باشد. در مجموع نتایج این مطالعه نشانگر نقش خانواده در شکل‌گیری مفهوم خود در دختران بود.

واژه‌های کلیدی: خودگسستگی، مفهوم خود، مدل فرآیند و محتوای خانواده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ دانشجوی روانشناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی و عضو قطب علمی خانواده‌ی دانشگاه شهید

بهشتی، Samani@miau.ac.ir

مقدمه

مفهوم «خود» از مهم‌ترین مفاهیم در علم روانشناسی به‌شمار می‌آید. این مفهوم حجم وسیعی از پژوهش‌ها را در میدان روانشناسی به‌خود اختصاص داده است. در آغاز لازم است تا مفهوم «خود» از دیدگاه‌های مختلف روانشناختی مورد بررسی و معرفی قرار گیرد و پس از آن مهم‌ترین جلوه‌های «خود» در روانشناسی مورد بازبینی واقع خواهد شد و در انتها خودگسستگی به‌عنوان متغیر وابسته در این مطالعه به بحث گذاشته خواهد شد. جیمز (۱۸۹۰، به نقل از Pervin, 1996) کسی بود که مفهوم «خود» را به حوزه‌ی روانشناسی آمریکایی وارد کرد. به نظر وی، «خود» محور تمامی تجربیات انسان است و اصولاً ما جهان را به دو بخش "من^۱" و "غیر من^۲" تقسیم می‌کنیم. از منظر جیمز، «خود» را می‌توان به دو قسمت «قابل تمیز» و نه «قابل تفکیک» یعنی «خود» به‌عنوان موضوع شناسایی^۳ و «خود» به‌عنوان فاعل شناسایی^۴ تقسیم کرد. خود به‌عنوان فاعل یا من فاعلی، آن چیزی است که هر لحظه آگاه و اندیشمند است. خود به‌عنوان موضوع یا من مفعولی، نیز حاصل جمع تمام آن چیزهایی است که فرد از آن خود می‌داند و از چهار سطح یا حوزه‌ی خودبدنی^۵، خوداجتماعی^۶، خودمادی^۷ و خودروحانی^۸ (Rayner, 2001) تشکیل می‌شود که در ساختاری سلسله‌مراتبی جای می‌گیرند. پس از جیمز و تحت تأثیر او، بسیاری این سنت فکری را دنبال کردند، اما مفهوم «خود» از چنان پیچیدگی برخوردار بود که رویکردهای متعددی برای درک و توضیح آن شکل گرفت. از این میان چهار دیدگاه نظری پدیدارشناسی^۹، تعامل نمادین^{۱۰}، تحلیل‌روانی^{۱۱} و دیدگاه شناختی^{۱۲} را به وضوح می‌توان تشخیص داد.

در دیدگاه پدیدارشناسی اعتقاد بر این است که تنها واقعیتی که می‌توان از آن مطمئن بود، دنیای تجربه‌ی ذهنی انسان، یعنی ادراک درونی وی از واقعیت است. پدیدارشناسی در فلسفه‌ی خویش می‌کوشد تا نشان دهد انسان نه مفهومی فلسفی و نه مفهومی علمی است؛ بلکه «موجود در جهان» است که برای شناختش باید نه ادراک را ترجیح داد- آنطور که جریان‌های اصالت معنا عمل

1. me
2. Not me
3. The self as known
4. The self as knower
5. Bodily Self
6. Social Self
7. Material Self
8. Spiritual Self
9. Phenomenological approach
10. Symbolic Interactionist approach
11. Psychoanalytic approach
12. Cognitive approach

می‌کنند- و نه جهان را رجحان داد- آنطور که دیدگاه‌های علمی فرض می‌کنند (Darting, 1373).

رویکرد تعامل‌گرایی نمادین «خود» را به‌عنوان محصول تأییدهای منعکس‌شده‌ی دیگران مورد بحث قرار می‌دهد. این رویکرد بر دو فرض اصلی استوار است (Sadeghzadeh, 2007):

- ۱- زندگی اجتماعی مستلزم نوعی ارتباط است و ارتباط انسانی به میزان زیادی نمادین می‌باشد.
- ۲- زندگی اجتماعی به کنش متقابل وابسته است، بدین ترتیب که رفتار افراد طی کنش متقابل تحت تأثیر هم قرار گرفته و شکل می‌گیرد.

در دیدگاه روان‌تحلیل‌گری خود بدون آن که عاملی از عوامل اجرایی دستگاه روانی باشد، ساختاری درون‌ذهنی با نیروی غریزی لیبیدو و دارای مکانیسم‌های دفاعی خاصی است که می‌تواند در تمامی پهنه‌ی روان تظاهر داشته باشد (Mohseni, 1996).

مطابق دیدگاه شناختی می‌توان به «خود» به‌عنوان یکی از ساختارهای شناختی ذهن در پردازش اطلاعات توجه کرد. ساختاری شناختی که او نام «طرح‌واره‌ی خود»^۱ را بر آن نهاد: قوانین کلی شناختی در مورد خود که از تجارب گذشته‌ی فرد نشأت می‌گیرد و پردازش اطلاعات مرتبط با خود را سازماندهی و هدایت می‌کنند (Pervin, 1996).

خودپنداره از مفاهیم مورد ملاحظه در روانشناسی می‌باشد که در ادامه‌ی مطالعه‌ی سازه‌ی خود مطرح گردید. منظور از خودپنداره، نوع نگرش و تفکر فرد در مورد خصوصیات و ویژگی‌هایش می‌باشد. در دوران نوجوانی، تحول عمده‌ای در نحوه‌ی تفکر فرد در مورد خصوصیاتش بروز پیدا می‌کند. افزایش توانایی نوجوان در قابلیت تفکر در خصوص مسایل انتزاعی و به‌کارگیری فرآیندهای ذهنی پیشرفته‌تر در برخورد با اطلاعات همگی زمینه را برای تغییر در خودپنداره فراهم می‌سازد. خودپنداره هم به‌لحاظ ساختاری و هم به‌لحاظ محتوایی در جریان رشد از کودکی به نوجوانی دچار تغییر می‌شود. درحقیقت، ساختارهای فرد درخصوص خودپنداره بسیار تمایز یافته و سازمان یافته‌تر می‌گردد (Marsh, 1990). این تمایز یافتگی گاهی در قالب "خودواقعی" و "خود غیرواقعی" توسط محققانی همانند (Harter, 1988, 1982) مطالعه قرار گرفته است و گاه در قالب "خودواقعی"، "خود ایده‌آل" و "خودبایسته" توسط (Higgins, 1987) مطرح و بررسی شده است. نظریه‌ی خودگسستگی هگینز به سه حوزه‌ی متفاوت در خویشتن فرد قائل است: **خودواقعی**^۲؛ خصیصه‌هایی که شخص خاصی (مثل خودتان یا دیگری) معتقد است در شما وجود

-
1. Self - schema
 2. Actual self

دارد، خودایده‌آل^۱؛ خصیصه‌هایی که شخص خاصی (مثل خودتان یا دیگری) دوست می‌دارد شما داشته باشید و خودبایسته^۲؛ خصیصه‌هایی که شخص خاصی (مثل خودتان یا دیگری) معتقد است باید در شما باشد (Higgins, 1987).

در توضیح نظریه‌ی خودگسستگی می‌توان چنین تصریح نمود که خودایده‌آل یک خودآرمانی است که اهداف و امیال شخصی فرد را در بر می‌گیرد و خودبایسته، یک خودوجدانی و موظف است که درک فرد را از وظایف اخلاقی توصیف می‌کند. اولی آرزوهای شخصی^۳ و دومی حس وظیفه^۴ است (Higgins, Bond, Klein, & Strauman, 1986). هگینز براساس این سه حوزه دو نوع خودگسستگی تعریف می‌کند: "گسستگی واقعیت با ایده‌آل‌ها" و "گسستگی واقعیت با بایسته‌ها". اولی نشانگر فاصله و اختلاف بین دو حوزه واقعی و ایده‌آل است و دومی ماحصل اختلاف یا تفاوت خودواقعی از خودبایسته است. میزان گسستگی میان این حوزه‌ها به شدت متأثر از عوامل و متغیرهای اجتماعی می‌باشد (Samani, 2001; Samani, Sadeghzadeh, 2007). از سوی دیگر گسستگی مابین حوزه‌های مختلف خود منجر به عوارض و پیامدهای روانشناختی متعددی در فرزندان می‌گردد. واشهن (۲۰۰۶) در مطالعه‌ی خود به مطالعه‌ی رابطه‌ی خودگسستگی و کمال‌گرایی و اختلال خوردن پرداخته است. این محقق در این مطالعه نشان داد زنانی که خودگسستگی زیادی از ایده‌آل‌ها احساس می‌کنند، عموماً زنان کمال‌گرایی هستند و اغلب با اختلال خوردن مواجه هستند. محققانی دیگری همانند (Minarik, Hewitt, Flett 1991) and Ahrens (1996) و Strauman (1989) نیز به رابطه‌ی خودگسستگی با مشکلات هیجانی از نوع افسردگی و اضطرابی اشاره داشته‌اند.

هریک از افراد مطابق نظر (Higgins, 1987) در حیطه‌های مختلف ممکن است احساس خودگسستگی کنند. اعتقادات و ارزش‌های مذهبی از جمله‌ی این حیطه‌ها به‌شمار می‌آید. در واقع به اعتقاد (Higgins, 1990) می‌توان برای هر فرد در حوزه‌ی اعتقادات مذهبی قائل به سه نوع خود به قرار خودواقعی، خودایده‌آل و خود بایسته بود. خودگسستگی از ایده‌آل‌های مذهبی به تفاوت مابین ایده‌آل‌های مذهبی فرد از واقعیت‌های مذهبی او اشاره دارد و خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی به تفاوت واقعیت‌های مذهبی فرد از بایسته‌های مذهبی است که عموماً جامعه و نهادهای اجتماعی همانند خانواده برای فرد تعریف می‌نماید.

-
1. Ideal self
 2. Ought self
 3. Personal wishes
 4. Sense of duty

از جمله مهم‌ترین عوامل محیطی موثر بر انواع خودگسستگی در افراد، نهاد خانواده می‌باشد. این نهاد اجتماعی تاثیر به‌سزایی بر نحوه‌ی شکل‌گیری ابعاد مختلف روانشناختی افراد دارد (Herman, Ostrander, & Tucher, 2007). به‌طور مثال (Cole, & Rehm, 1986)، (Dadds, Sanders, Morrison, & Rebgetz, 1992) و (Lam, & Zane, 2004) در مطالعات خود نشان دادند که خانواده و تعاملات خانوادگی تاثیر معناداری بر کنش‌های روانشناختی از جمله رفتار ناسازگارانه، شکل‌گیری هویت و افسردگی فرزندان دارد. در همین راستا هدف از این مطالعه بررسی تاثیر کنش‌های خانوادگی بر شکل‌گیری خودواقعی، خودایده‌آل و خودبایسته و همچنین میزان خودگسستگی مذهبی در دانشجویان دختر قرار گرفت. لازم به توضیح است که در همین مطالعه از مدل بافت‌نگر فرآیند و محتوای خانواده (Samani, 2011, 2010, 2005) استفاده شد. مطابق این مدل فرآیندهای خانوادگی شامل فرآیندهایی هستند که به فرآیند سازگاری با شرایط و نیازهای جدید اعضای خانواده کمک می‌کنند. از جمله‌ی این فرآیندها مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های مقابله و انعطاف‌پذیری می‌باشد. منظور از محتوای خانواده نیز پتانسیل‌های فردی و خانوادگی است که نشانگر داشته‌های یک خانواده می‌باشد. از جمله‌ی این پتانسیل‌ها، سطح تحصیلات، دسترسی به تسهیلات تحصیلی، درآمد و سرمایه‌های مادی، سلامت جسمی و روانی می‌باشد. در این مطالعه نیز همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، هدف پیش‌بینی میزان خودگسستگی و وضعیت خودواقعی، خودایده‌آل و خودبایسته در دانشجویان دختر بود. سوالات پژوهش در مطالعه نیز به قرار زیر بودند:

آیا دو بعد فرآیندها و محتوای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای حوزه‌های مختلف خودمذهبی (خودواقعی، خودایده‌آل و خودبایسته) دختران دانشجو هستند؟
 آیا دو بعد فرآیندها و محتوای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای خودگسستگی از ایده‌ال‌های مذهبی و خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی دختران دانشجو هستند؟

روش

جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شامل دانشجویان دختر بومی کارشناسی دو دانشگاه شیراز و مرودشت بود. دلیل انتخاب نمونه از دو دانشگاه، ملاحظه‌ی نقش بافت اجتماعی خانواده در مدل بافت‌نگر فرآیند و محتوای خانواده می‌باشد. گروه نمونه‌ی این مطالعه نیز شامل ۳۶۵ دانشجوی دختر بود که با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای ۰/۰۵ و مقدار p برابر با ۰/۵۰ برآورد گردید که با توجه به حجم جمعیتی مشابه در این دو دانشگاه، ۵۰٪ نمونه از دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت و ۵۰٪ دیگر از دانشگاه شیراز انتخاب شد. شیوه‌ی انتخاب نمونه نیز در این مطالعه خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای بود. بدین ترتیب که ابتدا فهرست

دانشکده‌های مشترک دو دانشگاه استخراج و سپس از میان این دانشکده‌ها دو دانشکده‌ی علوم و علوم تربیتی به تصادف انتخاب و پس از آن از میان کلاس‌های مختلف این دانشکده‌ها ۱۰ کلاس به تصادف انتخاب و تمام دانشجویان دختر آن کلاس‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات

به‌منظور گردآوری اطلاعات از سه مقیاس خودگزارشی فرآیند خانواده^۱، مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده^۲ و مقیاس خودگسستگی مذهبی استفاده شد.

الف) مقیاس خودگزارشی فرآیند خانواده (فرم کوتاه):

این مقیاس توسط (Samani, 2007, 2008) تهیه و طراحی شده است. این مقیاس شامل ۱۳ سوال مدرج پنج نمره‌ای (لیکرت) از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) می‌باشد. این مقیاس دارای ۵ عامل مهارت‌های ارتباطی، انسجام خانوادگی، مهارت حل مسئله، مهارت مقابله و جهت‌گیری مذهبی می‌باشد. ضریب پایایی^۳ به شیوه‌ی آزمون و بازآزمایی با فاصله‌ی زمانی و ضریب آلفا برای این آزمون به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۵ گزارش شده است.

ب) مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده (فرم کوتاه):

این مقیاس نیز توسط (Samani, Sadeghzadeh, 2010) مبتنی بر مدل فرآیند و محتوای خانواده تهیه و طراحی شده است. این مقیاس شامل ۱۲ سوال مدرج پنج نمره‌ای از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) می‌باشد. ضریب پایایی به شیوه‌ی آزمون و بازآزمایی با فاصله‌ی زمانی و ضریب آلفا برای این آزمون به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۹ گزارش شده است. لازم به توضیح است که اعتبار سازه‌ی (Construct Validity) دو مقیاس فرآیند و محتوای خانواده به شیوه‌ی تحلیل عامل در مطالعه‌ی (Samani, Sadeghzadeh, 2010) احراز شده است.^۴

در این مطالعه از دو مقیاس خودگزارشی فرآیند و محتوای خانواده برای گونه‌شناسی خانواده استفاده شد. روش تفکیک گونه‌های مختلف خانواده بر اساس این دو مقیاس مطابق مدل فرآیند و محتوای خانواده بدین قرار بود که خانواده‌هایی که در مقیاس فرآیند و محتوای خانواده نمره‌ی مساوی و یا بالاتر از سه می‌گرفتند؛ به‌عنوان خانواده‌ی سالم، خانواده‌هایی که در هر دو مقیاس نمره کمتر از سه می‌گرفتند؛ به‌عنوان خانواده‌ی غیر سالم، خانواده‌هایی که در مقیاس فرآیند خانواده

1. self-report family process scale (SFP Scale)
2. self-report family content scale (SFC Scale)
3. reliability

۴. لازم به ذکر است که روش محاسبه نمره کل برای مقیاس فرآیند ها و محتوای خانواده از طریق تقسیم نمره مجموع سوالات بر تعداد سوالات موجود در این مقیاس ها بود. به همین دلیل حداقل نمره برای این دو مقیاس یک و حداکثر نمره پنج بود.

نمره‌ی مساوی و یا بالاتر از سه و در مقیاس محتوا نمره‌ی کمتر از سه می‌گرفتند؛ به‌عنوان خانواده‌ی مشکل‌دار محتوایی و خانواده‌هایی که در مقیاس فرآیند خانواده نمره‌ی کمتر از سه و در مقیاس محتوای خانواده نمره‌ی مساوی و یا بیشتر از سه می‌آوردند، به‌عنوان خانواده‌ی مشکل‌دار فرایندی نامگذاری شدند.

ج) مقیاس خودگسستگی مذهبی:

این مقیاس در جریان مطالعات اولیه‌ی پژوهش حاضر با استفاده از روش مصاحبه و مبتنی بر شیوه هیگینز طراحی شد. بدین منظور ۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شیراز و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مورد مصاحبه قرار گرفتند. بر اساس محتوای حاصل از این مصاحبه‌ها مقیاسی حاوی ۲۴ سوال مدرج پنج نمره‌ای برای ارزیابی میزان خودگسستگی مذهبی تهیه گردید. ضریب آلفا برای این مقیاس در یک گروه ۵۰ نفره برابر با ۰/۸۷ بود.

یافته‌ها

به‌منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به‌شیوه‌ی همزمان استفاده شد که در ادامه به نتایج این تحلیل‌ها پرداخته شده است. سوال اول) آیا دو بعد فرآیندها و محتوای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای حوزه‌های مختلف خودمذهبی (خودواقعی، خودایده‌آل و خودبایسته) دختران دانشجو هستند؟ نتایج آزمون تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی خودایده‌آل مذهبی از طریق دو متغیر فرآیند خانواده و محتوای خانواده حاکی از آن بود که متغیر فرآیند خانواده به‌طور معناداری خودایده‌آل مذهبی در دختران دانشجو را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. جدول ۱ نشان‌دهنده‌ی نتایج این تحلیل می‌باشد.

جدول ۱: آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان برای پیش‌بینی خود ایده آل مذهبی

ملاک	پیش بین	بتا	t	P<	R ²	F	df	P<
فرآیند خانواده	محتوای خانواده	۰/۱۴	۲/۳۷	۰/۰۱۸	۰/۰۱۶	۲/۸۸	۳۴۳ و ۲	۰/۰۶
		-۰/۰۴	۰/۶۱	۰/۵۴				

مطابق نتایج این تحلیل، هرچه خانواده از فرآیندهای قوی‌تری برخوردار باشد؛ دختران از ایده‌آل‌های مذهبی بالاتری برخوردار خواهند شد.

جدول ۲ نشانگر نتایج همین تحلیل برای خودبایسته‌ی مذهبی در دختران دانشجو می‌باشد. همانگونه که از نتایج این تحلیل روشن است، هیچ یک از دو متغیر فرآیندها و محتوای خانواده قادر به پیش‌بینی خودبایسته‌ی مذهبی در دختران دانشجو نمی‌باشد.

جدول ۲: آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان برای پیش‌بینی خودبایسته‌ی مذهبی

ملاک	پیش‌بین	بتا	t	P<	R ²	F	df	P<
فرآیندها	فرآیند خانواده	۰/۱۱	۱/۹۴	۰/۰۵۴	۰/۰۱	۱/۹۰	۳۶۲ و ۲	۰/۱۵
	محتوای خانواده	-۰/۰۶	۰/۹۸	۰/۳۳				

برای بررسی قدرت پیش‌بینی دو متغیر فرآیند خانواده و محتوای خانواده برای خودواقعی مذهبی نیز از آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان برای پیش‌بینی خودبایسته‌ی مذهبی

ملاک	پیش‌بین	بتا	t	P<	R ²	F	df	P<
فرآیندها	فرآیند خانواده	-۰/۰۶	۱/۱۱	۰/۲۷	۰/۰۰۴	۰/۶۶	۳۶۳ و ۲	۰/۵۲
	محتوای خانواده	۰/۰۴	۰/۷۲	۰/۴۸				

همانگونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، دو متغیر رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته ندارند. سوال دوم) آیا دو متغیر فرآیندها و محتوای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای خودگسستگی از ایده‌آلهای مذهبی و خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی دختران دانشجو هستند؟ برای بررسی قدرت پیش‌بینی دو متغیر فرآیند خانواده و محتوای خانواده برای متغیر خودگسستگی از ایده‌آلهای مذهبی نیز از آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان برای پیش‌بینی خودگسستگی از ایده‌آل‌های مذهبی

ملاک	پیش بین	بتا	T	P<	R ²	F	df	P<
خودگسستگی از ایده‌آل	فرآیند خانواده	-۰/۱۶	۲/۸۷	۰/۰۰۴	۰/۰۲	۴/۱۳	۳۶۳ و ۲	۰/۰۱۷
	محتوای خانواده	۰/۰۶	۱/۱۰	۰/۲۷				

همان‌گونه که نتایج جدول ۴ پیداست، متغیر فرآیند خانواده دارای رابطه‌ی منفی و معناداری با متغیر خودگسستگی از ایده‌آل‌های مذهبی می‌باشد. بدین ترتیب که هرچه فرآیندهای خانوادگی قوی‌تر باشد، خودگسستگی از ایده‌آل‌های مذهبی نزد دختران کاهش می‌یابد. به‌منظور مطالعه‌ی قدرت پیش‌بینی خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی دختران به‌وسیله‌ی فرآیندها و محتوای خانواده نیز از آزمون تحلیل رگرسیون به شیوه‌ی همزمان استفاده شد که جدول ۵ نشانگر نتایج این تحلیل می‌باشد.

جدول ۵: آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان برای پیش‌بینی خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی

ملاک	پیش بین	بتا	t	P<	R ²	F	df	P<
خودگسستگی از بایسته‌ها	فرآیند خانواده	-۰/۱۷	۲/۹۷	۰/۰۰۳	۰/۰۳	۴/۵۶	۳۶۳ و ۲	۰/۰۱۱
	محتوای خانواده	۰/۱۰	۱/۶۹	۰/۰۹				

همانگونه که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، متغیر فرآیندهای خانواده دارای قدرت پیش‌بینی معناداری برای خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی در دختران می‌باشد. در توضیح این موضوع لازم به ذکر است که مطابق یافته‌های این تحلیل، هرچه خانواده از فرآیندهای خانوادگی قوی‌تری برخوردار باشد، خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی در دختران کمتر خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم خود و خودگسستگی را می‌توان دو محصول از تعامل فرد با محیط پیرامون دانست. خانواده به‌عنوان موثرترین نهاد اجتماعی دارای نقشی اساسی در شکل‌گیری خود و خودگسستگی است. در این پژوهش نیز نقش خانواده به‌عنوان عامل موثر بر شکل‌گیری مفهوم خود و خودگسستگی مورد تایید قرار گرفت. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مطابق نظریه‌ی (Higgins, 1987) می‌توان برای خود قائل به سه مفهوم خودواقعی، خودایده‌آل و خودبایسته بود. مفاهیم مختلف خود در این نظریه بر اساس محتوا قابل تفکیک می‌باشد. مفهوم خود مذهبی از جمله چشم‌اندازهایی است که براساس نظریه‌ی (Higgins, 1987) قابل تعریف می‌باشد. در این مطالعه مفهوم خودمذهبی و حوزه‌های مختلف آن (واقعی، ایده‌آل و بایسته) با ملاحظه‌ی دو متغیر محتوا و فرآیندهای خانوادگی از مدل بافت‌نگر فرآیند و محتوای خانواده (Samani, 2011) مورد مطالعه و نقش این دو متغیر بر شکل‌گیری مفهوم خود مورد پژوهش قرار گرفت که نتایج این بررسی در ادامه ارائه شده است.

بررسی قدرت پیش‌بینی دو متغیر محتوا و فرآیندهای خانوادگی برای سه حوزه‌ی خودواقعی، خودایده‌آل و خودبایسته حاکی از آن بود که متغیر فرآیندهای خانوادگی برای دختران دانشجو از نقش پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای خودایده‌آل برخوردار است. نتایج این مطالعه نشان داد که توانمندی خانواده‌ی دختران دانشجو در فرآیندهای خانوادگی موجب ارتقاء سطح خودایده‌آل مذهبی در آنها می‌گردد. در واقع خانواده‌هایی که دارای توانمندی در فرآیندهای خانوادگی می‌باشند؛ از آنجا که در مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های مقابله، جهت‌گیری مذهبی، احساس انسجام عاطفی و انعطاف‌پذیری وضعیت مناسبی برخوردار هستند، از جایگاه تاثیرگذاری بر دختران برخوردارند. اهمیت نقش خانواده در شکل‌گیری مفهوم خود برای دختران در تحقیق Alborzi, Samani (1999) مورد تایید قرار گرفته است. این محقق در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که دختران در مقایسه با پسران به قضاوت‌های اجتماعی در مورد خودشان اهمیت و اعتنای بیشتری دارند. با توجه به این موضوع که جهت‌گیری مذهبی یکی از ابعاد فرآیندهای خانوادگی در مدل بافت‌نگر فرآیند و محتوا محسوب می‌گردد، نقشی معنادار در شکل‌گیری مفهوم خودمذهبی و به‌ویژه خود ایده‌آل مذهبی دختران ایفا می‌نماید. در واقع خانواده‌هایی که در جهت‌گیری مذهبی قوی باشند، موجب پایه‌گذاری ایده‌آل‌های مذهبی در شکل‌گیری مفهوم خود دختران می‌گردند.

نتایج این مطالعه همچنین حاکی از آن بود که فرآیندهای خانوادگی دارای رابطه‌ی منفی معناداری با خودگسستگی از ایده‌آل‌های مذهبی در دختران دانشجو می‌باشد. منظور از خودگسستگی از ایده‌آل‌های مذهبی همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، به فاصله‌ی مابین خودواقعی مذهبی و

خودآیدیه‌آل مذهبی اشاره دارد. در واقع خانواده‌هایی که از فرآیندهای خانوادگی مناسبی برخوردار هستند، دارای فرزندان دختری هستند که گسست کمتری بین خودواقعی و ایده‌آل مذهبی آنها وجود دارد. این یافته ضمن تایید نتایج پیش‌گفته درخصوص نقش فرآیندهای خانوادگی در توسعه‌ی خودآیدیه‌آل مذهبی به اهمیت نقش خانواده در تربیت مذهبی فرزندان دختر نیز اشاره دارد. لازم به ذکر است که گسستگی کم میان خودآیدیه‌آل و واقعی به‌طور معمول مهیاکننده‌ی بهداشت روانی بهتر برای افراد می‌باشد (Samani, Sadeghzadeh, 2007).

در این پژوهش همچنین نقش فرآیندهای خانوادگی درخصوص خودگسستگی از بایسته‌های مذهبی مورد تایید قرار گرفت. مطابق نتایج حاصل از این مطالعه، خانواده‌هایی که دارای فرآیندهای خانوادگی قوی هستند، تربیت‌کننده‌ی دخترانی خواهند بود که خودگسستگی مذهبی کمی دارند. در واقع این دسته از خانواده‌ها دختران خود را به‌گونه‌ای تربیت می‌کنند که بین خود واقعی مذهبی آنها و خودبایسته‌ی مذهبی آنها تفاوت زیادی وجود ندارد. به‌طور کلی وجود خودگسستگی از بایسته‌ها، موجب اختلالات اضطرابی در افراد می‌گردد (Veale, Kinderman, Riley, & Lambrou, 2003; Elliot, 2007). با این توصیف می‌توان چنین نتیجه گرفت که خانواده‌هایی که از فرآیندهای خانوادگی مناسبی برخوردارند، با تربیت خودواقعی مناسب مانع از بروز اختلالات اضطرابی در فرزندان دختر خود می‌شوند.

در همین راستا پیشنهاد می‌گردد تا محققان در تحقیقات آتی به مطالعه‌ی نقش خانواده درخصوص ابعاد دیگر مفهوم خود پردازند. همچنین مقایسه‌ی میزان خودگسستگی دانشجویان از بافت‌های اجتماعی متفاوت از دیگر زمینه‌های پژوهشی برای تحقیقات آتی به شماره می‌آید. در انتها از سرکار خانم اعظم احمدی و زهرا نادری که در اجرا و گردآوری این مطالعه محقق را مورد مساعدت قرار دادند، سپاسگزارم.

منابع

- Alborzi, S., & Samani, S. (1999). A Comparison of self-concept between boys and girls students in Center of Gifted student. *Journal of Social and Humanities Sciences*, Shiraz University, 28, 162-168.
- Cole, D. A., & Rehm, L. P. (1986). Family interaction patterns and childhood depression. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 14, 297° 314.
- Dadds, M. R., Sanders, M. R., Morrison, M., & Rebetz, M. (1992). Childhood depression and conduct disorder: II. An analysis of family interaction patterns in the home. *Journal of Abnormal Psychology*, 101, 505° 513.
- Darting, A. (1994). What is phenomenology, Navali, M (translator), Tehran, SAMT Publication.
- Elliot, K. (2007). The Relation of Self-discrepancy to Anxiety and Depression as Psychotherapy Change Measures. Publisher Virginia Consortium for Professional psychology (Old Dominion University).

- Harter, S. (1982). "The perceived competence scale for children". *Child development*, Vol. 53, pp. 87-97.
- Harter, s. (1988). "Developmental and dynamic changes in the Nature of the self-concept: Implications for child psychotherapy". In S.D. Chirk (Ed)., *Cognitive development and child psychotherapy* (pp. 119-160) Plenum press, N. Y. London.
- Herman, K., Ostrander, R., & Tucher, C. M. (2007). Do family environments and negative cognitions of adolescents with depressive, symptoms vary by ethnic group?. *Journal of Family Psychology*, 21, 325-330.
- Hewitt, P.; Flett, G. (1991), "Dimensions of Perfectionism in Unipolar Depression", *Journal of Abnormal Psychology* 100 (1): 98° 101.
- Higgins, E. T. (1987). Self-discrepancy: A theory relating self and affect. *Psychological Review*, 94, 319° 340.
- Higgins, E. T., Bond, R. N., Klein, R., & Strauman, T. (1986). Self-discrepancies and emotional vulnerability: How magnitude, accessibility and type of discrepancy influence affect. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 5° 15.
- Lam, A. G., & Zane, N. W. (2004). Ethnic differences in coping with interpersonal stressors: A test of self-construals as cultural mediators. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35, 446° 459.
- Marsh, H. W. (1990). A multidimensional hierarchical self-concept: Theoretical and empirical justification. *Educational Psychology Review*. 2, 77-172.
- Minarik, M.L., & Ahrens, A.H. (1996). Relations of eating and symptoms of depression and anxiety to the dimensions of perfectionism among undergraduate women. *Cognitive Therapy and Research*, 20, 155-169.
- Mohseni, N. (1996). Self- concept: childhood to adulthood. Tehran, Besat Publication.
- Pervin, L. A. (1996). "The science of personality". 1st ed. Jhon Wiley& Sons, Inc.
- Rayner, S. G. (2001). "Aspects of the self as learner: perception, concept and esteem". In R. J. Riding (Ed)., *Self perception*. Westport, CT, USA: Greenwood publishing Group.
- Sadeghzadeh, M. (2006). A study on adolescence self-discrepancy based on the family process and content model. MA Dissertation, Shiraz University.
- Samani, S. (2005) Family Process and Content Model. Paper Presented in International Society for Theoretical Psychology Conference, 20-24. June, Cape Town, South Africa.
- Samani, S. (2007). Developing a family Process scale. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 2, 162-168.
- Samani, S. (2010). Family types in the family process and content model. *Procedia of Social and Behavioural Sciences*, 5, 727-732.
- Samani, S. (2011). Family process and content model: A contextual model for family studies. *Procedia of Social and Behavioural Sciences*, 30, 2285-2292.
- Samani, S., & Sadeghzadeh, M. (2007). A study on self-discrepancy based on the family process and content model. *Educational and Psychological Studies*, 8, 11-124.
- Samani, S., & Sadeghzadeh, M. (2010). Reliability and validity of the self-report family content sale. *Psychological Reports*, 106, 539-547.
- Strauman, T. J. (1989). Self-discrepancies in clinical depression and social phobia: Cognitive structures that underlie emotional disorders? *Journal of Abnormal Psychology*, 98, 14° 22.

Veale, D., Kinderman, P., Riley, S., & Lambrou. (2003). Self-discrepancy in body dysmorphic disorder. *British Journal of Clinical Psychology*, 42, 57-169.

